

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2024; 14(39): e17

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

The Role of Expanding Restorative Justice in Integrating Ethical and Legal Norms and Social Reconstruction

Hedayat Sayyah Alborzi^{1*}

1. Department of Law and Criminology, Amin Police University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Restorative justice, as an innovative approach in contemporary legal systems, emphasizes repairing harm caused to victims, ensuring offender accountability, and, on a broader scale, enhancing positive citizen interactions and strengthening civil relationships. This approach, rooted in ethical principles, provides a favorable capacity for moderating rigid legal frameworks and increasing the acceptance of law. The aim of this study is to examine the role of restorative justice development in blending and harmonizing moral and legal rules, ultimately achieving social reconstruction based on citizen responsibility

Methods: This research is conducted using library and documentary sources with a descriptive-analytical approach. Accordingly, data are collected from library resources, including books, scientific articles, and reports from relevant institutions, and analyzed within the framework of the research problem.

Ethical Considerations: In this study, ethical considerations including authenticity of the text, honesty, and integrity have been observed.

Results: The findings reveal that restorative justice institutionalizes principles such as forgiveness, empathy, trust rebuilding, and distributive justice within legal frameworks. By emphasizing human values, this approach reduces conflicts between ethical and legal norms and fosters greater interaction between these domains. Compared to retributive justice, restorative justice programs have demonstrated greater success in reducing recidivism, rehabilitating offenders, and rebuilding social relationships while also contributing to the deepening of ethical dynamics within society. Currently, the lack of comprehensive legal frameworks, trained professionals, and alignment with certain traditional legal principles pose significant challenges to the development of restorative justice.

Conclusion: The expansion of restorative justice offers an opportunity to deepen the integration of ethical and legal norms in society, contributing to the realization of social justice and the humanization of legal processes while facilitating the reconstruction of social relationships. This study suggests that by developing comprehensive legal frameworks, enhancing public education, and fostering specialized skills in the principles of restorative justice, its potential can be leveraged to mitigate ethical-legal conflicts and improve the legal and social systems of the country.

Keywords: Restorative justice; Ethical norms; Rules; Convergence; Responsibility; Social reconstruction

Corresponding Author: Hedayat Sayyah Alborzi; **Email:** he.alborzi@gmail.com


Received: October 24, 2024; **Accepted:** November 27, 2024; **Published Online:** January 5, 2025

Please cite this article as:

Sayyah Alborzi H. The Role of Expanding Restorative Justice in Integrating Ethical and Legal Norms and Social Reconstruction. *Akhlāq-i zīstī, i.e., Bioethics Journal*. 2024; 14(39): e17.



نقش گسترش عدالت ترمیمی در آمیزش قواعد اخلاقی و حقوقی و بازسازی اجتماعی

هدایت سیاح البرزی¹ ^۱. گروه حقوق و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: عدالت ترمیمی به‌عنوان رویکردی نوین در نظام‌های حقوقی معاصر، بر ترمیم آسیب‌های وارده بر قربانی، پاسخگویی مرتکب، و در مقیاس کلان افزایش سطح تعاملات مثبت شهروندان و تقویت و تعمیق ارتباطات مدنی تأکید دارد. این رویکرد با تکیه بر اصول اخلاقی ظرفیت مساعدی برای تعدیل قواعد سخت‌گیرانه حقوقی و افزایش ضریب قانون‌پذیری فراهم می‌آورد. هدف این پژوهش بررسی نقش توسعه عدالت ترمیمی در آمیزش و همگرایی قواعد اخلاقی و حقوقی و در امتداد آن تحقق بازسازی اجتماعی بر مبنای مسئولیت‌پذیری شهروندان است.

روش: این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام می‌پذیرد. بر این اساس، داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای مشتمل بر کتب، مقالات علمی، و گزارش نهادهای ذی‌ربط گردآوری و در چارچوب مسأله تحقیق، تحلیل می‌شوند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش جنبه‌های اخلاقی شامل اصالت متن، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که عدالت ترمیمی اصولی مانند بخشش، همدلی، بازسازی اعتماد، و عدالت توزیعی را در چارچوب‌های حقوقی نهادینه می‌کند. این رویکرد با تأکید بر ارزش‌های انسانی، تعارض میان قواعد اخلاقی و حقوقی را کاهش داده و زمینه را برای تعامل بیشتر این دو حوزه فراهم می‌کند. در مقایسه با عدالت کیفری، برنامه‌های عدالت ترمیمی موفقیت بیشتری در کاهش تکرار جرم، بازتوانی مرتکبان و بازسازی روابط اجتماعی داشته‌اند و به تعمیق سطح مناسبات اخلاقی جامعه نیز مساعدت خواهند نمود. در حال حاضر، فقدان چارچوب‌های قانونی جامع، نیروهای متخصص و آموزش دیده و تعارض با برخی اصول سنتی حقوقی، از موانع توسعه عدالت ترمیمی به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری: گسترش عدالت ترمیمی فرصتی است برای تعمیق پیوند میان قواعد اخلاقی و حقوقی در جامعه، که خود می‌تواند به تحقق عدالت اجتماعی و انسانی‌تر کردن فرآیندهای حقوقی کمک کند و بازسازی روابط اجتماعی را میسر نماید. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که با توسعه چارچوب‌های قانونی و تقویت آموزش عمومی و مهارت‌های تخصصی در زمینه اصول عدالت ترمیمی، از ظرفیت‌های آن برای کاهش تعارضات اخلاقی - حقوقی و ارتقای نظام حقوقی و اجتماعی کشور بهره‌برداری شود.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی؛ قواعد اخلاقی؛ قوانین؛ همگرایی؛ مسئولیت‌پذیری؛ بازسازی اجتماعی

نویسنده مسئول: هدایت سیاح البرزی؛ پست الکترونیک: he.alborzi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Sayyah Alborzi H. The Role of Expanding Restorative Justice in Integrating Ethical and Legal Norms and Social Reconstruction. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2024; 14(39): e17.

مقدمه

عدالت ترمیمی به عنوان رویکردی نوین در پاسخ به چالش‌های موجود در نظام‌های کیفری معاصر مطرح شده است. این رویکرد، برخلاف عدالت کیفری سنتی که بر مجازات تأکید دارد، بر بازسازی روابط آسیب‌دیده و جبران خسارت‌های وارد شده به بزه‌دیده و جامعه تمرکز می‌کند (۱، ۲). عدالت ترمیمی با تکیه بر ارزش‌های اخلاقی همچون بخشش، مسئولیت‌پذیری، و همدلی و نیز قواعد حقوقی مشخص، تلاش می‌کند تا تعادل میان منافع بزه‌دیده، بزهکار و جامعه را برقرار کند (۳). این رویکرد، نه تنها به کاهش نرخ تکرار جرم از طریق افزایش حس مسئولیت‌پذیری بزهکاران کمک می‌کند، بلکه با تقویت پیوندهای اجتماعی و مشارکت فعال جامعه در فرآیند حل اختلافات، اعتماد عمومی به نظام قضایی را نیز افزایش می‌دهد. در ایران، به دلیل وجود فرهنگ صلح و سازش، عدالت ترمیمی می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی عمل کند. کما اینکه کاربست‌هایی برای نیل به این هدف در چارچوب نهادهایی چون شوراهای حل اختلاف مطمح نظر قرار گرفته است (۴).

با توجه به کارکردها و روش‌ها در حوزه عدالت ترمیمی، عدالت ترمیمی می‌تواند پلی میان دو حوزه اخلاق و حقوق ایجاد کند و از طریق سازوکارهایی مانند میانجیگری، گفت‌وگوهای ترمیمی و خدمات اجتماعی، امکان بازسازی روابط انسانی و پیشگیری از جرم را فراهم آورد. این هماهنگی میان اخلاق و حقوق، عدالت ترمیمی را به الگویی موفق برای مدیریت اختلافات و بازسازی اجتماعی تبدیل کرده است که می‌تواند در نظام‌های کیفری مدرن مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در دهه‌های اخیر، نظام‌های کیفری در بسیاری از کشورها با چالش‌هایی همچون افزایش نرخ تکرار جرم، اطاله دادرسی و کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی مواجه شده‌اند. این چالش‌ها به‌ویژه در جوامعی که تمرکز اصلی بر مجازات و بازدارندگی است، آشکارتر می‌شود. به ویژه در حوزه‌های حساسی چون پیشگیری از تکرار جرم، سیاست جنایی باید با

احتیاط و حزم‌اندیشی عمل نماید (۵). در این میان، عدالت ترمیمی به‌عنوان رویکردی نوین مطرح شده که بر ترمیم آسیب‌ها، مشارکت فعال طرفین و بازسازی روابط اجتماعی تأکید دارد.

عدالت ترمیمی ضمن تکیه بر ارزش‌های اخلاقی و همچنین بهره‌گیری از چارچوب‌های حقوقی، جلوه‌گاهی برای پیوند میان اخلاق و حقوق ایجاد می‌کند و این امر به نوبه خود می‌تواند بر همگرایی، اعتماد و هم‌افزایی اجتماعی مؤثر باشد. این رویکرد، به جای تمرکز صرف بر مجازات، به دنبال ترمیم خسارت‌های وارد شده و احیای پیوندهای اجتماعی است که در فرآیندهای عدالت کیفری سنتی کمتر به آن توجه می‌شود. با این حال، عدالت ترمیمی آنطور که بایسته است در جوامع مختلف از جمله در کشور ما ظهور و بروز نیافته است. درک ضرورت تأثیر عدالت ترمیمی بر روابط اجتماعی از یکسو و شناخت مشکلات و چالش‌های کاربست عدالت ترمیمی در ساحت حل اختلافات از سوی دیگر می‌تواند به گشودن این گره و راهگشایی در نظام‌های حقوقی بیانجامد. بنابراین، هدف این مطالعه تحقیق و بررسی دقیق درباره نقش گسترش عدالت ترمیمی در آمیزش قواعد اخلاقی و حقوقی و بازسازی اجتماعی و تبیین چالش‌ها و راهبردها در این زمینه است. لذا سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه گسترش عدالت ترمیمی می‌تواند به پیوند مؤثر قواعد اخلاقی و حقوقی و بازسازی اجتماعی در نظام‌های کیفری مساعدت نماید؟

یافته‌ها

عدالت ترمیمی اصولی مانند بخشش، همدلی، بازسازی اعتماد، و عدالت توزیعی را در چارچوب‌های حقوقی نهادینه می‌کند. این رویکرد با تأکید بر ارزش‌های انسانی، تعارض میان قواعد اخلاقی و حقوقی را کاهش داده و زمینه را برای تعامل بیشتر این دو حوزه فراهم می‌نماید. در مقایسه با عدالت کیفری، برنامه‌های عدالت ترمیمی موفقیت بیشتری در کاهش تکرار جرم، بازتوانی مرتکبان و بازسازی روابط اجتماعی داشته‌اند و به تعمیق سطح مناسبات اخلاقی جامعه نیز مساعدت خواهند

عدالت کیفری انتقامی و بازدارنده مطرح شده است (۸). دلایل اصلی ضرورت گسترش این رویکرد عبارتند از: پاسخ به نیازهای بزه‌دیده و جامعه: عدالت کیفری سنتی اغلب نیازهای بزه‌دیده و جامعه را نادیده می‌گیرد. عدالت ترمیمی با محوریت جبران خسارت و برقراری صلح، این شکاف را پر می‌کند.

کاهش اطلاع دادرسی و هزینه‌های قضایی: گسترش عدالت ترمیمی به کاهش فشار بر دستگاه قضایی و کاهش زمان و هزینه‌های رسیدگی به پرونده‌ها کمک می‌نماید. ایجاد فرصت بازسازی برای بزهکاران: این رویکرد با تأکید بر بازگشت مثبت بزهکاران به جامعه، در کاهش تکرار جرم و بازپروری اجتماعی حائز تأثیر است.

تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی: مشارکت جامعه در فرآیند عدالت ترمیمی نهایتاً می‌تواند اعتماد عمومی به سیستم قضایی را افزایش داده و همبستگی اجتماعی را تقویت کند.

پیشگیری از جرم: با ایجاد زمینه‌های مشارکت و تقویت حس مسئولیت‌پذیری در جامعه، عدالت ترمیمی نقش چشمگیری در کاهش وقوع جرایم ایفا می‌کند (۹).

۳. پیوند میان قواعد اخلاقی و حقوقی در سازوکارهای عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی مفهومی است که به‌طور هم‌زمان از قواعد اخلاقی و اصول حقوقی الهام گرفته و در تلاش است تا میان این دو حوزه پلی راهگشا ایجاد کند. این رویکرد با تمرکز بر بازسازی روابط آسیب‌دیده و حل اختلافات از طریق گفت‌وگو، سازش و جبران خسارت، تجسم عملی هماهنگی میان حقوق و اخلاق است. از منظر حقوقی، عدالت ترمیمی مبتنی بر قواعدی است که به حفظ نظم عمومی، تأمین حقوق فردی و اجتماعی، و کاهش بار سیستم قضایی مساعدت می‌کند. در این میان، جنبه‌های اخلاقی نقش کلیدی در تأکید بر ارزش‌های انسانی مانند احترام، انصاف، و مسئولیت‌پذیری دارند. این تلفیق از یک سو به بزهکار اجازه می‌دهد تا مسئولیت رفتار خود را بپذیرد و از سوی دیگر برای بزه‌دیده امکان بازگشت به زندگی عادی را فراهم می‌آورد.

نمود. در حال حاضر، فقدان چارچوب‌های قانونی جامع، نیروهای متخصص و آموزش‌دیده و تعارض با برخی اصول سنتی حقوقی، از موانع توسعه عدالت ترمیمی به‌شمار می‌آید.

بحث

۱. اصول بنیادین عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی رویکردی در نظام کیفری است که به جای تمرکز صرف بر مجازات، به بازسازی روابط آسیب‌دیده میان بزهکار، بزه‌دیده و جامعه می‌پردازد. این مفهوم بر اصول زیر استوار است:

تمرکز بر نیازهای بزه‌دیده و بزهکار: عدالت ترمیمی بر شناسایی و پاسخ به نیازهای بزه‌دیده و بزهکار، به جای تنها توجه به قانون شکسته‌شده، تأکید دارد.

مشارکت فعال طرفین: در این رویکرد، بزه‌دیده، بزهکار و سایر اعضای جامعه در فرآیند حل اختلاف مشارکت دارند و سعی می‌شود که راه‌حل‌های توافقی و عادلانه ارائه شود.

جبران خسارات: یکی از اهداف اصلی عدالت ترمیمی، جبران خسارات واردشده به بزه‌دیده و جامعه است که می‌تواند از طریق عذرخواهی، پرداخت خسارت یا خدمات اجتماعی تحقق یابد.

پیشگیری از تکرار جرم: عدالت ترمیمی تلاش می‌کند با بازگرداندن بزهکار به جامعه به روشی مثبت و معنادار، از تکرار جرم جلوگیری کند.

تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی: این رویکرد در تلاش است تا ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را از طریق میانجیگری و توافق‌های اجتماعی ترویج دهد (۶).

اصول عدالت ترمیمی نقش اجتماع را در کنترل و کاهش نرخ جرم ارتقاء می‌دهد. هدف دخالت عدالت ترمیمی باید تقویت توانایی اجتماعی جهت ایفای این نقش و توسعه ظرفیت‌های آتی باشد (۷).

۲. ضرورت گسترش عدالت ترمیمی در نظام‌های کیفری

مدرن

عدالت ترمیمی به‌عنوان رویکردی نوین در نظام‌های کیفری، در پاسخ به چالش‌ها و محدودیت‌های رویکردهای سنتی مانند

بنابراین، پیوند میان قواعد اخلاقی و حقوقی در عدالت ترمیمی به این معناست که اصول اخلاقی به‌عنوان راهنمایی برای تعیین اهداف و مقاصد فرآیند ترمیمی عمل می‌کنند، در حالی که قواعد حقوقی ابزارهایی را برای دستیابی به این اهداف فراهم می‌سازند. این تعامل باعث می‌شود که عدالت ترمیمی نه تنها به جبران خسارت‌های مادی بپردازد، بلکه به بازسازی روابط انسانی و تقویت همبستگی اجتماعی نیز کمک کند (۱۱).

به‌طور کلی، عدالت ترمیمی با ادغام مؤثر اصول اخلاقی و قواعد حقوقی، رویکردی جامع و انسانی برای پاسخ به جرم ارائه می‌دهد که می‌تواند متناظراً بهبود کارایی نظام‌های کیفری مدرن و ارتقای عدالت و توسعه اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

۴. نقش میانجیگری کیفری در برجستگی ارزش‌های اخلاقی

میانجیگری کیفری به‌عنوان یکی از ابزارهای عدالت ترمیمی، بستری فراهم می‌کند که در آن ارزش‌های اخلاقی نه تنها احیا می‌شوند، بلکه در تعاملات میان بزه‌کار، بزه‌دیده، و جامعه تقویت می‌گردند. این رویکرد بر مبنای مفاهیمی چون بخشش، همدلی، و مسئولیت‌پذیری شکل می‌گیرد و تلاش می‌کند تا به جای تمرکز صرف بر مجازات، فرآیندی انسانی و اخلاقی را برای پاسخ به جرم ایجاد کند (۱۲). در میانجیگری کیفری، بزه‌کار فرصت می‌یابد تا مسئولیت اعمال خود را بپذیرد و تأثیر رفتار خود را بر زندگی بزه‌دیده درک کند. این فرآیند نه تنها بزه‌کار را به تفکر عمیق‌تر درباره اعمال خود وامی‌دارد، بلکه حس مسئولیت‌پذیری او را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، بزه‌دیده نیز امکان ابراز احساسات و خواسته‌های خود را دارد که در بازسازی حس عدالت، اعتماد به نفس و کرامت انسانی او مؤثر خواهد بود.

این تعامل مستقیم میان طرفین، ارزش‌هایی مانند احترام، انصاف، و درک متقابل را تقویت می‌کند. میانجی به‌عنوان یک تسهیل‌گر، فضای امن و بی‌طرفی را ایجاد می‌نماید که در آن، طرفین می‌توانند بدون ترس از قضاوت یا تنبیه، به بیان

در سازوکارهای عدالت ترمیمی، قواعد اخلاقی نقشی بنیادین در طراحی و اجرای فرآیندهای میانجیگری و توافق ایفا می‌کنند. میانجیگری به‌عنوان یکی از ابزارهای عدالت ترمیمی، به دلیل تکیه بر ارزش‌هایی نظیر بخشش، شفافیت و کرامت انسانی، بستری را فراهم می‌کند که در آن افراد بتوانند به جای تقابل، به تعامل بپردازند. از این‌رو، اخلاق و حقوق در این سازوکارها نه به‌عنوان دو حوزه جداگانه و عرصه‌ای که ممکن است یکی از آن‌ها قربانی شود، بلکه به‌عنوان جنبه‌های مکمل عمل می‌کنند که هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و آن چیزی نیست جز برقراری صلح و بازسازی اجتماعی. می‌توان گفت عدالت ترمیمی به‌واسطه تلفیق هوشمندانه قواعد اخلاقی و حقوقی، توانسته است جایگاه خود را در نظام‌های مدرن قضایی تقویت کند و الگویی موفق برای مدیریت اختلافات و بازسازی اجتماعی ارائه دهد. این هماهنگی (میان اخلاق و حقوق) نه تنها در حل و فصل اختلافات، بلکه در ایجاد تغییرات پایدار در نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز نقشی برجسته دارد (۱۰).

ارزش‌های اخلاقی رسوخ‌یافته در برنامه‌های عدالت ترمیمی در فرآیندهایی مانند میانجیگری و گفت‌وگوی مستقیم بین بزه‌دیده و بزه‌کار تجلی می‌یابند، جایی که هر دو طرف فرصت بیان احساسات و نیازهای خود را دارند و به دنبال یافتن راه‌حل‌های مشترک برای جبران خسارت و بازسازی روابط هستند.

از سوی دیگر، قواعد حقوقی در عدالت ترمیمی به‌عنوان چارچوبی برای تضمین حقوق و تعهدات طرفین عمل می‌کنند. این قواعد با تعیین ساختارها و رویه‌های مشخص، اطمینان می‌دهند که فرآیند ترمیمی به‌صورت منصفانه و با رعایت حقوق همه افراد درگیر انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، قوانین مرتبط با میانجیگری کیفری شرایط و ضوابطی را برای اجرای این فرآیند تعیین می‌کنند تا از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری شود. در واقع تأکید بر اخلاق تا مرز سازندگی و بازخوردهای مثبت فردی و اجتماعی است و هر جا بیم سوء استفاده یا آسیب به اعتماد باشد، قواعد سخت‌گیرانه در خدمت اخلاق خواهند بود.

اجرای این نوع عدالت باشد. همچنین، ساختارهای موجود در نظام‌های حقوقی، که معمولاً بر مبنای تنبیه و مجازات استوارند، ممکن است با اصول و اهداف عدالت ترمیمی ناسازگار باشند (۱۴).

از سوی دیگر، عدالت ترمیمی برای موفقیت نیازمند حمایت همه‌جانبه از سوی نهادهای قضایی، اجتماعی و فرهنگی است. در بسیاری از نظام‌ها، عدم آگاهی و آموزش کافی درخصوص اصول و رویه‌های عدالت ترمیمی باعث می‌شود که این رویکرد به‌طور کامل درک نشده یا به اشتباه اجرا شود. این مسئله می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی به عدالت ترمیمی و حتی به نتایج معکوس منجر گردد. مشکلات دیگری نظیر محدودیت در اعمال عدالت ترمیمی برای برخی جرایم جدی یا تکراری نیز وجود دارد. این محدودیت‌ها ممکن است باعث شود که عدالت ترمیمی تنها به‌عنوان یک ابزار تکمیلی و نه یک رویکرد مستقل مورد استفاده قرار گیرد. به‌طور کلی، نقاط ضعف و محدودیت‌های عدالت ترمیمی اغلب ناشی از تلاش برای ادغام یک رویکرد انسان‌محور و انعطاف‌پذیر در سیستمی است که به‌طور سنتی بر اصول ثابت و مجازات‌های سختگیرانه استوار بوده است. غلبه بر این چالش‌ها نیازمند اصلاحات ساختاری، آموزش گسترده، و ترویج فرهنگ گفت‌وگو و مشارکت است. در واقع برنامه‌های عدالت ترمیمی نیازمند نهادینه‌سازی عدالت ترمیمی در جامعه است که پیش‌شرط آن بررسی آسیب‌شناسانه موانع و مشکلات ادغام رویکردهای ترمیمی و سنتی در هر جامعه و رفع آن‌ها است (۱۵).

به‌طور کلی، نقاط ضعف و چالش‌های استقرار و کارآمدی عدالت ترمیمی را می‌توان در سطوح مختلف فردی، ساختاری، و اجتماعی بررسی کرد:

- **چالش‌های فردی:** یکی از مهم‌ترین موانع در حوزه بکارگیری عدالت ترمیمی، پذیرش برنامه‌ها توسط بزه‌دیده و بزهکار است. در بسیاری از موارد، بزهکار ممکن است به دلیل ترس از مجازات بیشتر یا عدم آمادگی روانی، مسئولیت رفتار خود را نپذیرد. از سوی دیگر، بزه‌دیده ممکن است به دلیل آسیب روانی یا عدم اعتماد به کارآمدی این فرآیند، تمایلی به

مشکلات و نیازهای خود بپردازند. این فرآیند اغلب منجر به توافق‌هایی می‌شود که نه تنها بر مبنای قوانین، بلکه براساس اصول اخلاقی شکل گرفته‌اند. همچنین، میانجیگری کیفی به ارتقای اخلاق اجتماعی در سطح کلان خواهد انجامید. با تأکید بر ترمیم آسیب‌ها و بازگشت به جامعه، این فرآیند به تقویت اعتماد عمومی به ارزش‌های اخلاقی و نظام عدالت اهتمام می‌نماید. به این ترتیب، جامعه به جای آنکه صرفاً نظاره‌گر مجازات بزهکار باشد، به‌عنوان یک بازیگر فعال در بازسازی اجتماعی مشارکت می‌کند و از ارزش‌های اخلاقی حمایت می‌کند. در نهایت، میانجیگری کیفی یک الگوی عملی برای ادغام ارزش‌های اخلاقی در نظام عدالت کیفری ارائه می‌دهد. این رویکرد نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از طریق تعامل انسانی، آسیب‌های گذشته را ترمیم کرد و بنیادهای اخلاقی را در زندگی فردی و اجتماعی تقویت نمود (۱۳).

۵. چالش‌ها و محدودیت‌های کاربردی عدالت ترمیمی در

چارچوب نظام‌های حقوقی و اجتماعی

به‌رغم تأثیرات شگرف عدالت ترمیمی در بازسازی روابط فردی و اجتماعی و موفقیت نظام عدالت کیفری در برنامه‌های اصلاح‌مدار و پیشگیرانه، چالش‌ها و محدودیت‌هایی برای اجرای عدالت ترمیمی در جوامع و نظام‌های حقوقی مختلف بر اساس مولفه‌های گوناگون حقوقی، سیاسی، فرهنگی، بومی و ... وجود دارد که شناخت و رفع این چالش‌ها پیش‌شرط اجرای صحیح برنامه‌های ترمیمی به منظور رسیدن به مقاصد مورد نظر است.

در واقع، عدالت ترمیمی با وجود فرصت‌ها و مزایای فراوان، با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است که می‌تواند اثربخشی و پذیرش آن را در نظام‌های حقوقی محدود کند. یکی از این محدودیت‌ها به ماهیت پیچیده و چندبعدی این رویکرد باز می‌گردد. عدالت ترمیمی در تلاش است تا میان منافع بزه‌دیده، بزهکار، و جامعه تعادل ایجاد کند، اما این تعادل اغلب با تضاد منافع و انتظارات طرفین مواجه می‌شود. در برخی موارد، عدم تمایل بزهکار به پذیرش مسئولیت یا عدم رضایت بزه‌دیده از فرآیند ترمیمی می‌تواند مانعی جدی برای

اجتماعی مواجه شود. به‌ویژه در جوامعی که مفهوم عدالت با مجازات سخت و تنبیه گره خورده است، پذیرش عدالت ترمیمی به زمان و تلاش فرهنگی بیشتری نیاز دارد.

در مجموع، عدالت ترمیمی یک رویکرد نوآورانه و انسانی است که می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی، کاهش جرم، و تقویت حس عدالت کمک کند. با این حال، غلبه بر نقاط ضعف و محدودیت‌های آن نیازمند اصلاحات ساختاری در نظام‌های حقوقی، ترویج فرهنگ گفت‌وگو و مشارکت اجتماعی، و آموزش‌های گسترده برای دست‌اندرکاران این فرآیند است.

۶. ابعاد اجتماعی عدالت ترمیمی؛ از پیشگیری تا بازسازی جامعه

رویکرد عدالت ترمیمی در آغاز دهه ۱۹۷۰ با طرح‌هایی آزمایشی و کوچک آغاز شد اما به تدریج به یک جنبش اجتماعی جهانی برای تغییر تبدیل گردید و مجموعه‌ای متنوع از گفت‌وگوها و شیوه‌های صلح‌ساز را در حوزه‌های گوناگون در بر گرفت (۱۶). عدالت ترمیمی در سطح اجتماعی به‌عنوان رویکردی جامع و انسانی، هدفی فراتر از حل و فصل فردی جرایم دارد و به تأثیرات گسترده‌تر آن بر جامعه توجه می‌کند. این رویکرد با ایجاد بستری برای مشارکت فعالانه افراد در فرآیندهای مرتبط با حل اختلافات و جبران خسارات، ابزاری مهم برای پیشگیری از جرم و بازسازی جامعه به شمار می‌رود. نخستین بُعد اجتماعی عدالت ترمیمی به پیشگیری از وقوع جرایم بازمی‌گردد. این امر، از طریق تقویت حس مسئولیت‌پذیری در افراد و ایجاد ارتباط مستقیم میان بزهکار و بزه‌دیده، زمینه‌های فهم و همدلی را افزایش می‌دهد. در این فرآیند، بزهکار متوجه اثرات مخرب اعمال خود بر دیگران می‌شود و همین مهم، او را به بازنگری در رفتار خود وامی‌دارد. علاوه بر این، بزه‌دیده نیز احساس می‌کند که آسیب‌های او جدی گرفته شده و تلاش‌هایی برای ترمیم آن صورت می‌گیرد، که این امر به بازسازی حس اعتماد به عدالت اجتماعی می‌انجامد.

عدالت ترمیمی همچنین نقش مهمی در کاهش شکاف‌های اجتماعی دارد. این رویکرد با تأکید بر گفت‌وگو و سازش،

مشارکت در عدالت ترمیمی نداشته باشد. این موانع می‌توانند اثربخشی و نتیجه‌بخشی فرآیند ترمیمی را به‌طور جدی محدود کنند.

– **محدودیت‌های ساختاری:** سیستم‌های حقوقی سنتی اغلب بر مبنای اصول مجازات و تنبیه طراحی شده‌اند و انعطاف‌پذیری کافی برای پذیرش رویکردهای ترمیمی را ندارند. قوانین و آیین‌نامه‌های موجود در بسیاری از کشورها، چارچوب‌های کافی برای اجرای عدالت ترمیمی فراهم نمی‌کنند. این موضوع به‌ویژه در جرایم سنگین یا در مواردی که توافق میان طرفین دشوار است، بیشتر نمایان می‌شود. همچنین، اجرای عدالت ترمیمی نیازمند نهادها و ساختارهای ویژه‌ای مانند میانجی‌ها، ناظران بی‌طرف، و کمیته‌های محلی است که ممکن است در نظام حقوقی سنتی به‌خوبی تعریف نشده باشند.

– **کمبود آموزش و آگاهی:** اجرای عدالت ترمیمی نیازمند دانش و آگاهی گسترده در میان تمامی بازیگران، از جمله قضات، وکلا، میانجی‌ها و جامعه است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، عدم وجود آموزش‌های لازم باعث می‌شود که فرآیندهای ترمیمی به‌درستی اجرا نشده یا با اصول آن ناسازگار باشند. علاوه بر این، نبود آگاهی عمومی از عدالت ترمیمی می‌تواند منجر به بدبینی یا عدم اعتماد به این رویکرد شود.

– **محدودیت در دامنه اجرایی:** عدالت ترمیمی معمولاً برای جرایم خفیف یا متوسط مؤثر است، اما برای جرایم سنگین مانند قتل یا خشونت‌های شدید، کارآمدی آن کمتر قابل تصور است. همچنین، در مواردی که بزهکار سابقه جرایم متعدد دارد یا تمایلی به اصلاح رفتار نشان نمی‌دهد، اجرای عدالت ترمیمی به‌سختی قابل توجیه است. این موضوع باعث می‌شود که عدالت ترمیمی بیشتر به‌عنوان یک ابزار تکمیلی و نه جایگزین کامل برای نظام کیفری سنتی دیده شود.

– **چالش‌های فرهنگی و اجتماعی:** عدالت ترمیمی نیازمند یک فرهنگ مبتنی بر گفت‌وگو، همدلی، و اعتماد متقابل است. در جوامعی که این ارزش‌ها به‌طور گسترده پذیرفته نشده‌اند، اجرای عدالت ترمیمی ممکن است با مقاومت

خسارت وارد شده مشارکت کرده و از بازگشت به جرم پرهیز کنند (۷). رابطه کاهش نرخ تکرار جرم و بازسازی اجتماعی از جهات مختلف قابل توجه است. از یک طرف مهمترین پیامد تکرارناپذیری جرم در سطح امنیت و سلامت اجتماعی نمودار می‌شود و از سویی دیگر، همگرایی و کنشگری اجتماعی در فرایند عدالت ترمیمی، کاهش نرخ تکرار جرم را به دنبال دارد. در واقع، تقویت پیوندهای اجتماعی نقش قابل توجهی در کاهش جرم دارد. مشارکت جامعه در فرآیند ترمیمی، از طریق برنامه‌هایی مانند دایره‌های صلح و بردهای جبرانی اجتماعی، به ایجاد حس همبستگی و اعتماد کمک می‌نماید. این حس همبستگی باعث می‌شود که جامعه به جای طرد مجرمان، آن‌ها را در مسیر بازگشت به زندگی سالم یاری رساند.

در نتیجه، عدالت ترمیمی نه تنها به کاهش بازگشت به جرم منجر می‌شود، بلکه با ایجاد محیطی امن برای بازسازی روابط انسانی، زمینه را برای تعاملات اجتماعی سالم‌تر و کاهش تنش‌های موجود فراهم می‌سازد. این امر موجب می‌شود که عدالت ترمیمی به‌عنوان رویکردی مؤثر در ایجاد عدالت اجتماعی پایدار شناخته شود.

بهره‌گیری از این رویکرد به‌عنوان رویکردی نوین و مؤثر در مقابله با جرم، به‌ویژه در ایران که ناکارآمدی ابزارهای سنتی در آن مشهود است، نقش مهمی در کاهش نرخ تکرار جرم و بازسازی روابط اجتماعی ایفا می‌کند.

در این فرآیند، مجرمان به جای مواجهه با تنبیه‌های سخت، فرصت می‌یابند تا از طریق مشارکت در جلسات ترمیمی و گفت‌وگو با قربانیان، پیامدهای رفتار خود را درک کرده و در جبران آن سهیم شوند. این تعامل، حس مسئولیت‌پذیری را افزایش داده و منجر به کاهش تمایل به ارتکاب جرم مجدد می‌شود. به گفته پژوهشگران، برنامه‌های ترمیمی در ایران به‌ویژه در موارد مربوط به جرایم خانوادگی و اجتماعی، نتایج مثبت و مؤثری در کاهش بازگشت به جرم داشته‌اند.

از سوی دیگر، عدالت ترمیمی با ایجاد فضای گفت‌وگوی باز میان بزهکار، قربانی و جامعه، باعث تقویت پیوندهای اجتماعی می‌شود. این فرآیند نه تنها در ارتقای روابط انسانی مؤثر خواهد بود، بلکه اعتماد اجتماعی را نیز افزایش داده و زمینه‌های

فضایی را ایجاد می‌کند که در آن اعضای جامعه می‌توانند به جای تقابل و تنازع، به تعامل و همبستگی دست یابند. چنین فضایی به کاهش تنش‌ها و تضادهای اجتماعی و تقویت اعتماد متقابل میان افراد و نهادهای اجتماعی منجر می‌شود.

در بُعد بازسازی جامعه، عدالت ترمیمی تلاش می‌کند تا به جای تمرکز صرف بر مجازات، به بازگشت معنادار افراد به جامعه بپردازد. این بازگشت شامل فراهم کردن فرصت‌های دوباره برای بزهکاران جهت ایفای نقش مثبت در جامعه است. همچنین، عدالت ترمیمی با ایجاد بستری برای جبران خسارات و بازسازی روابط آسیب‌دیده، به جوامع انسانی کمک می‌کند تا تعادل اجتماعی خود را بازیابند.

همانطور که یکی از اهداف اصلی نظام‌های کیفری آموزش شهروندی و اصلاح بافتار فرهنگی و اجتماعی است (۱۷) این مهم در پرتو برنامه‌های عدالت ترمیمی جامعه عمل به تن می‌پوشد.

در نهایت، عدالت ترمیمی یک الگوی اجتماعی برای مدیریت تعارضات و جرایم ارائه می‌دهد که از طریق آن نه تنها آسیب‌های فردی بلکه آسیب‌های جمعی ترمیم می‌شوند. این رویکرد به جامعه امکان می‌دهد که به جای انفعال در مواجهه با جرم، به‌عنوان یک عامل فعال در بازسازی و پیشگیری از جرم مشارکت نماید.

۷. نقش عدالت ترمیمی در کاهش نرخ تکرار جرم و تمهید بازسازی روابط اجتماعی

عدالت ترمیمی به‌عنوان رویکردی مبتنی بر ترمیم آسیب‌ها، نقشی کلیدی در کاهش نرخ تکرار جرم ایفا می‌کند. این مدل به جای تمرکز بر مجازات، به مجرمان و قربانیان فرصتی می‌دهد تا از طریق گفت‌وگو و تعامل، پیامدهای جرم را درک کرده و برای جبران آن تلاش کنند. یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش تکرار جرم در این رویکرد، افزایش احساس مسئولیت‌پذیری مجرمان است. در فرآیندهای ترمیمی مانند مذاکرات مستقیم بین قربانی و بزهکار، مجرمان تشویق می‌شوند تا تأثیر اعمال خود را از دیدگاه قربانیان بشنوند. این تجربه موجب می‌شود که مجرمان به‌طور فعال در بازسازی

رویکرد نه تنها میزان بازگشت به جرم را کاهش می‌دهد، بلکه باعث تقویت پیوندهای اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی نیز خواهد شد.

عدالت ترمیمی، به مثابه یک رویکرد جامع، توانسته است قواعد اخلاقی و اصول حقوقی را به گونه‌ای در هم آمیزد که حل و فصل جرایم با کمترین هزینه فردی و اجتماعی و تسهیل بازسازی اجتماعی را فراهم آورد. در این رویکرد، اخلاق و حقوق به عنوان دو بخش مکمل عمل می‌کنند: قواعد اخلاقی بر ارزش‌هایی چون همدلی، مسئولیت‌پذیری، گذشت، و احترام به کرامت انسانی تأکید دارند، در حالی که قواعد حقوقی ساختار و چارچوب قانونی لازم برای اجرای این ارزش‌ها را فراهم می‌کنند و از بیم تجری نسبت به قواعد نرم عدالت ترمیمی می‌کاهند.

به بیانی دیگر، از منظر اخلاقی، عدالت ترمیمی نه تنها بر بخشش و جبران خسارت تأکید دارد، بلکه به بازبانی کرامت قربانیان و بازپروری مجرمان مساعدت می‌کند. از سوی دیگر، چارچوب‌های حقوقی تضمین می‌کنند که این فرآیندها به صورت منصفانه و قانونی پیش بروند، تا حقوق تمامی طرفین حفظ شود.

در نهایت، برای تقویت ایفای نقش عدالت ترمیمی در مسیر کاربست متقارن قواعد اخلاقی و حقوقی و تحقق بازسازی اجتماعی، پیشنهاد می‌شود: نخست، ایجاد نهادهای تخصصی تسهیل‌گر و تدوین چارچوب‌های حقوقی جامع و منسجم با تأکید بر نفوذ ارزش‌های اخلاقی در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گیرد؛ دوم، برنامه‌های آموزش تخصصی برای قضات، وکلاء و میانجی‌گران جهت ارتقاء مهارت‌های ارتباطی، همدلی و بازسازی اعتماد طراحی و اجرا شود؛ و سوم، ترویج فرهنگ گفت‌وگو، مسئولیت‌پذیری شهروندی و نقش‌آفرینی جامعه مدنی در فرآیندهای ترمیمی از طریق رسانه‌ها و نهادهای آموزشی دنبال گردد.

همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز را تقویت می‌کند. در کشور ما، این رویکرد به خصوص به واسطه وجود سنت‌های فرهنگی مبتنی بر صلح و سازش و همچنین ظرفیت بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در فرایندهای ترمیمی، شانس بالایی برای موفقیت دارد.

با این حال، چالش‌هایی نظیر نقصان چارچوب‌های قانونی، زیرساخت‌های فنی و فرهنگی و نیاز به آموزش گسترده متخصصان در این حیطه به عنوان پیش‌شرط کاربست برنامه‌های ترمیمی در راستای بازسازی و توسعه اجتماعی در کشور احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری

عدالت ترمیمی، به عنوان رویکردی انسانی و جامع، نشان داده که می‌تواند به طور مؤثر در کاهش نرخ تکرار جرم و بازسازی روابط اجتماعی نقش‌آفرینی کند. این رویکرد با تمرکز بر مشارکت فعال قربانی، بزهکار و جامعه، نه تنها به حل و فصل اختلافات کمک می‌کند، بلکه زمینه را برای پیشگیری از وقوع جرایم جدید، نقش‌آفرینی ذی‌نفعان و مآلاً تقویت پیوندهای اجتماعی فراهم می‌آورد.

عدالت ترمیمی با تقویت ارزش‌های اخلاقی همچون همدلی، مسئولیت‌پذیری و بخشش در کنار پایبندی به قواعد حقوقی، نقش مهمی در توسعه روابط میان فردی در جامعه، تعمیق پیوندهای انسانی و بازسازی اعتماد عمومی و افزایش حس امنیت اجتماعی ایفا می‌کند. در ایران، به دلیل پیشینه فرهنگی قوی در زمینه صلح و سازش و کاربست قواعد اخلاقی در جریان آن، عدالت ترمیمی همراه با تمهید زمینه‌های ساختاری و فرهنگی، می‌تواند به عنوان مکملی کارآمد برای رفع نواقص نظام عدالت کیفری سنتی مطرح باشد.

نتایج این پژوهش بیانگر آن است که با تأکید بر گفت‌وگو و مشارکت فعال، عدالت ترمیمی فضایی فراهم می‌کند که بزهکار، قربانی و جامعه بتوانند به صورت مستقیم با یکدیگر تعامل کنند. این تعامل به ایجاد احترام متقابل و کاهش تنش‌های اجتماعی منجر می‌شود و در نهایت، جامعه را به سمت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز هدایت می‌کند. این

مشارکت نویسندگان

هدایت سیاح البرزی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را درباره پژوهش، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای پژوهش، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش پیش‌رو، جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Zehr H. The little book of restorative justice [translation by Hossein Gholami]. Tehran: Majd Publications; 2004. [Persian]
2. Marshall T. Criminal mediation in Great Britain 1980–1996. *Eur J Crim Policy Res.* 1996;4(4):37-43.
3. Dandurand Y, Griffiths CT. Handbook on Restorative Justice Programmes. New York: United Nations; 2006. p.6.
4. Moradian P, Ghasemi M, Varvaei A. Manifestations of restorative justice in the Dispute Resolution Councils in Iran's criminal policy: Opportunities and challenges. *Political Sociology of Iran.* 2019; 2(3): 373–387. [Persian]
5. Gholami H. An introduction to the pathology of criminal policy regarding the prevention of recidivism and victimization in Iran. *Teachings of Criminal Law.* 2011; 1: 3–18. [Persian]
6. Noorizad E, Mojtahed Soleimani A, Seyyed Morteza Hosseini R. Criminal mediation as a restorative justice doctrine from legal and ethical perspectives. *Ethics in Science and Technology.* 2020; 15(4): 1-6. [Persian]
7. Gholami H. Restorative justice. Tehran: SAMT Publications; 2018. [Persian]
8. Najafi Abrandabadi AH. From classical criminal justice to restorative justice. *Specialized Journal of Razavi University of Islamic Sciences.* 2003; 3(9–10): 41–71. [Persian]
9. Gholami H. Restorative justice: principles and methods. *Daneshe Entezami Quarterly.* 2003; 5(4): 39–40. [Persian]
10. Bokaei M. The relationship between moral rules and legal rules. 2nd International Conference on Law and Humanities Knowledge and Technology of Iran; 2022. [Persian]
11. Abbasi M. Restorative justice: A new perspective on criminal justice. *Public Law Research.* 2003; 5(9): 85-129. [Persian]
12. Umbreit MS, Coates RB, Vos B. Restorative justice dialogue: An essential guide for research and practice. New York: Springer Publishing Company; 2010.
13. Farajeeha M. Encyclopedia of Restorative Justice: Proceedings of the International Conference on Restorative Justice and Crime Prevention. Tehran: Mizan Publications; 2017. [Persian]
14. Zehr H. Changing Lenses: A New Focus for Crime and Justice. 4th ed. Herald Press; 2015.
15. Aertsen I, Daems T, Robert L, editors. Institutionalizing restorative justice. Routledge; 2013.
16. Marshall CD. Restorative justice. In: Beckford J, editor. Religion matters: The contemporary relevance of religion. 2020:101–17.
17. Mannheim H. Criminal justice and social reconstruction. Routledge; 2013.